

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ اعدام در ایران، پروژۀ سیاسی یا مناقشۀ درون مذهبی شیعه؟

محمد ضرغامی

۴۵ دقیقه پیش



«من خوب می‌دانم، هر اعدامی که انجام شود، جلوی اعدام بعدی را می‌گیرد». این جمله را علی‌محمد افغانی در رمان محکوم به اعدام از زبان دادستان داستان خود نقل می‌کند؛ جمله‌ای که منطق تکرارشونده مجازات مرگ را به تصویر می‌کشد. در بسیاری از پرونده‌های اعدام نیز همواره کسی هست که بر اجرای حکم پافشاری می‌کند. در داستان افغانی، این مادر مقتول است که به کمتر از اعدام رضایت نمی‌دهد و می‌گوید تنها زمانی آرام می‌شود که جسد قاتل فرزندش را بر چوبه دار ببیند.

اما آن‌سوی این قصه، زندان است؛ جایی که زکی، هم‌بندی محکوم به اعدام، نمی‌تواند دلتنگی و هراس خود را پنهان کند. اگر برای مجریان حکم، اعدام بخشی از تشریفات اجرای قانون است، برای زندانیان، خاطره اعدامی و «بوی تلخ و چسبنده مرگ تا مدت‌ها از در و دیوار زندان شسته» نمی‌شود.

سال‌ها پیش از آن، ویکتور هوگو در کتاب آخرین روزهای یک محکوم به اعدام، مجازات مرگ را به نقد اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد. او نشان داد چگونه ساختار قدرت، با همراهی کشیش، پادشاه و جلاد، برای

خود حق گرفتن جان انسان را قائل می‌شود و حتی خدا را نیز به شاهی بر این نمایش مرگ تبدیل می‌کند.

با این حال، مخالفت با خشونت و کشتن، ریشه‌ای عمیق‌تر در ادبیات فارسی دارد. قرن‌ها پیش، رودکی پدر شعر فارسی در یکی از روشن‌ترین روایت‌های خشونت‌ستیز ادبیات ایران سروده بود:

چون تیغ به دست آری، مردم نتوان کشت
نزدیک خداوند بدی نیست فرامشت
این تیغ نه از بهر ستمکاران کردند
انگور نه از بهر نبیذ است به چرخشت
عیسی به رهی دید یکی کشته فتاده
حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت
گفتا که: که را کشتی تا کشته شدی زار؟
تا باز که او را بکشد، آن که تو را کشت
انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس
تا کس نکند رنجه به در کوفتن مشت

در برنامه رادیویی «پاراگراف اول» پرستو فروهر کنشگر و هنرمند دادخواه از فرانکفورت همراه با رضا علیجانی تحلیلگر امور سیاسی از پاریس به بررسی جایگاه اعدام در ساختار جمهوری اسلامی، نسبت آن با خشونت سیاسی و اجتماعی، مفهوم دادخواهی، خطر بازتولید چرخه انتقام و چشم‌انداز مقابله مدنی با این پدیده پرداختند.



↓ [لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

اعدام در ایران؛ یک مسئله یا پروژه؟

پرستو فروهر، اعدام را نه صرفاً یک مجازات، بلکه بخشی از یک «بغرنج اجتماعی-سیاسی» می‌داند و معتقد است این مجازات سال‌ها به‌عنوان شیوه‌ای از انتقام‌کشی ساختار قدرت در برابر جامعه به کار رفته است.

به گفته او، دامنه اعدام در جمهوری اسلامی تنها به مخالفان سیاسی محدود نبوده و طیف گسترده‌ای از پرونده‌ها، از مواد مخدر و قتل تا اتهام‌های مرتبط با مسائل اجتماعی و جنسیتی، مشمول این مجازات شده‌اند.

او اعدام را «ابزار نسق‌کشی از جامعه» می‌خواند؛ ابزاری برای مهار آنچه حکومت «ناهنجاری» تلقی می‌کند؛ از اعتراض سیاسی گرفته تا مسائل اجتماعی. از نگاه خانم فروهر، نتیجه این روند «قتل حکومتی شهروندان» است؛ شهروندانی که صرفاً به دلیل قرار نگرفتن در چارچوب مطلوب حکومت حذف شده‌اند.

رضا علیجانی نیز اعدام را همزمان مسئله‌ای اجتماعی و پروژه‌ای سیاسی در جمهوری اسلامی می‌داند و معتقد است استمرار آن در پیوند با دو عامل شکل گرفته است: خشونت‌ی که انقلاب‌ها با خود به همراه می‌آورند و تکیه حکومت بر خوانشی خاص از فقه و شریعت.

او با اشاره به اعدام‌های پس از انقلاب، اعدام‌های پشت‌بام مدرسه علوی، کشتار کردستان، اعدام‌های سال ۶۷ و سرکوب مخالفان، روشنفکران و معترضان می‌گوید اگرچه ادبیات حکومت در طول زمان تغییر کرده، اما منطق اصلی آن، یعنی «دیگری‌سازی، قطبی‌سازی و ایجاد نفرت»، ثابت مانده است.

اعدام و مناقشه درون مذهبی شیعه

رضا علیجانی با اشاره به روند جهانی لغو اعدام تأکید می‌کند که این مجازات به دلیل برگشت‌ناپذیری و بی‌تأثیری اجتماعی، در بسیاری از جوامع کنار گذاشته شده و دادخواهی و عدالت انتقالی نیز باید همراه با نفی اعدام پیش برود.

او همچنین میان خوانش رسمی جمهوری اسلامی از اسلام و سنت‌های متفاوت درون تشیع تفکیک قائل می‌شود و معتقد است خشونت را نمی‌توان به تمامی سنت مذهبی نسبت داد.

به گفته او، حتی متون مذهبی مانند نهج‌البلاغه می‌توانند در برابر خوانش رسمی حکومت خوانش‌های دیگری پیدا کنند.

آقای علیجانی با اشاره به تفاوت میان روحانیونی مانند آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خمینی، این مسئله را بخشی از یک مناقشه درون‌مذهبی درباره نسبت دین، عدالت و قدرت می‌داند.

تبدیل رنج به انتقام؛ چالش دادخواهی

پرستو فروهر، تبدیل رنج و خشم ناشی از سرکوب به مطالبه انتقام را یکی از دشوارترین چالش‌های جنبش دادخواهی می‌داند.

او با وجود قابل فهم دانستن خشم خانواده‌های دادخواه، تأکید می‌کند که انتقام نمی‌تواند جایگزین عدالت شود و دادخواهی باید بر افشای حقیقت، پاسخگو کردن عاملان جرم‌ها و برگزاری دادرسی عادلانه بر اساس موازین حقوق بشری استوار باشد.

به باور خانم فروهر، جامعه ایران نباید از دل تجربه سرکوب، همان منطق خشونت را بازتولید کند، بلکه باید از این رنج، فرهنگی مبتنی بر دادخواهی و جلوگیری از تکرار خشونت بسازد.

اپوزیسیون خارج از کشور و گیوتین انقلاب

رضا علیجانی با مقایسه فضای ابتدای انقلاب و امروز معتقد است جامعه ایران در مخالفت با خشونت و اعدام پیشرفت کرده است، اما هشدار می‌دهد که بخشی از نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور همچنان از تهدید، حذف و خشونت می‌گویند.

به گفته او، اگر گذار سیاسی بر پایه خشونت شکل گیرد، «گیوتین انقلاب» همچنان فعال خواهد ماند، اما گذار کم‌خشونت امکان بیشتری برای ساختن آینده‌ای متفاوت فراهم می‌کند.

پرستو فروهر از مقاومت‌های مدنی علیه اعدام، از اعتراض‌های خیابانی و حرکت «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» تا کنش‌های زندانیان سیاسی، به‌عنوان نشانه‌های امید یاد می‌کند. او معتقد است ابزار اصلی جامعه در شرایط کنونی، گفت‌وگو، گفتمان‌سازی و افزایش همبستگی اجتماعی است.

رضا علیجانی نیز تأکید می‌کند بحران‌های امنیتی و جنگ می‌توانند بهانه‌ای برای افزایش سرکوب فراهم کنند، اما مقاومت مدنی حتی در سخت‌ترین شرایط می‌تواند هزینه خشونت را افزایش دهد.

از نگاه او، مبارزه با اعدام باید همراه با دفاع از دادرسی عادلانه، مخالفت با شکنجه و پاسداشت حقوق بشر پیش برود.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

ایران

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.